

ایران بیست و سومین کشور کارآفرین دنیا

دکتر محمدرضا زالی، رئیس دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، در سومین کنفرانس بین‌المللی کارآفرینی در جمع اندیشمندان بزرگ حوزه کارآفرینی و صاحبان صنعت اعلام کرد: «ایران در بین ۶۰ کشور برتر در حوزه کارآفرینی، رتبه ۲۳ را دارد که نشان‌دهنده ظرفیت بالای کارآفرینی در کشور است. وی گفت از نمایندگان مجلس می‌خواهیم که بحث حمایت جدی از کارآفرینان و بهبود محیط کسب و کار را، که منجر به بهبود وضعیت اشتغال‌زایی در کشور می‌شود، در برنامه‌های خود بگنجانند و در نظر داشته باشند.» وی درخصوص موانع سر راه کارآفرینی و دنیای کسب و کار به طولانی‌بودن صدور مجوزها همراه با بروکراسی‌های نامناسب و غیرضروری، تأمین منابع مالی و عدم دارا بودن مهارت‌های کافی کارآفرینان اشاره کرد.

دوشنبه ● ۲۴ اسفند ۱۳۹۴ ● شماره چهل و هفت

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

داستان زوج جوانی که دست‌به‌کار هنر آفرینی با شیشه شده‌اند

زندگی در بغل سنگ

● **سعید برآبادی** ●

● **روزنامه نگار** ●

شعری قدیمی است که می‌گوید: «گر نگیان من آن است که من می‌دانم/ شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد.» عنصر اصلی این بیت‌شعر درست مثل ماجرای فعالیت شغلی «شاهد نطاق» و «ریحانه عبادت» بر پایه «توکل» است. آن‌ها کارآفرینانی از قاعده هرم ایران هستند که سه اصل «داشتن ایده‌های کوچک»، «پشتکار» و در نهایت «توکل» را همراه خود کرده‌اند و حالا در پرتوی آن، نام‌خود را در فهرست هنرمندان صنایع‌دستی این کشور به ثبت رسانده‌اند. شاید شاهد نطاق و ریحانه عبادت وقتی دست به کار ساختن شیشه‌های تزئینی ریزودرشت شدند، تصورش را هم نمی‌کردند که روزی مثل همین روزها، کارشان چنان با استقبال مواجه شود که بتوانند علاوه بر شهرت و درآمد، از یک کالچ خارجی فرصت تحصیلی بگیرند، اما آنطور که نطاق می‌گوید، به زندگی شیشه‌ای خود در کنار سنگ روزگار توکل داشته‌اند و چه جالب که کارشان هم با شیشه است.

■ **در جوار گرمای ۸۰۰ درجه**

کمی بعد از ازدواجشان تصمیم گرفتند در میان رشته‌های صنایع‌دستی دست به یک ابتکار تازه بزنند: «هم‌جوشی شیشه.» شاید به نظر تان اسم عجیبی بیاید اما اگر کمی به ظرف‌های شیشه‌ای تزئینی داخل خانه یا انواع شیشه‌های طرح‌داری که در دکوراسیون‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند نگاهی بیندازید، دست‌گیرتان می‌شود که حاصل کار گاه تولیدی آن‌ها چیست و چه شمایل و کاربردی دارد. شاهد و ریحانه نزدیک به ۶ سال است که از دواج کرده‌اند و نه‌فقط سرنوشت خود را، بلکه توانایی‌هایشان را هم با یکدیگر گره زده‌اند. شاهد شیمی خوانده و ریحانه گرافیک و صنایع‌دستی، این ترکیب نخستین جرقه‌ها را برای اشتغال‌زایی در ذهنشان روشن کرد: ایجاد کارگاه تولید آثار شیشه‌ای به روش «فیوز گلاس» یا همان هم‌جوشی شیشه. «رشته تحصیلی هم‌سرم صنایع‌دستی است.

فوق‌دیپلم گرافیک داشت و لیسانس صنایع‌دستی هم گرفت. اولین‌بار کار با شیشه را در خانه شروع کردیم. محصولاتمان را به مغازه‌ها یا بازارچه‌ها می‌بردیم. سه سال طول کشید تا توانستیم کارگاهی اجاره کنیم و کوره‌ای بخریم برای جوش شیشه. و اشاره می‌کند که کار آن‌ها با شیشه در کوره‌هایی انجام می‌شود که دمایی وحشتناک دارند و این دلیل ساده‌ای است بر سختی بی‌اندازه نوع فعالیتشان: «بالاخره تصمیم گرفته بودیم و مشکلاتی که سر راهمان بود را باید یکی‌یکی کنار می‌گذاشتیم. کم‌کم کار را گسترش دادیم و به عضویت اتحادیه صنایع‌دستی درآمدیم و فضای کارگاه افزایش نیو، تنوع تولید و... را به خود دید.» حالا کارگاهی خریده‌اند تا از سختی کار در اتاقکی که کوره‌ای با ۸۰۰ درجه گرما در آن می‌سوزد رها شوند، ولی خودشان را محدود نکرده‌اند: «در حال حاضر هشت نفر در کارگاه به صورت شیفتی مشغول به کارند بخشی از کارگاه را هم به دو خواهر داده‌ایم برای اشتغال‌زایی. آن‌ها هم راه خودشان را پیدا کرده‌اند، در یکی از اتاق‌های کارگاه، یک خط تولید نمددوزی راه انداخته‌اند. این‌ها هم به دست این‌وان مهم‌نموده، دوست داشته‌ایم ماهیگیری یاد بگیرند و خودشان استین بالا بزنند.»



■ **هنر ارتباط**

اولین قدم‌ها لایذ با نگرانی و ترس برگشت سرمایه بوده: «از جمعه‌بازارها، مغازه‌ها و میزهای کوچکی که در همایش‌ها می‌گرفتم، شروع شد. حالا که به این چند سال نگاه می‌کنم می‌بینم شاید همان میزهای کوچک باعث پیشرفت ما شد،

پیش‌گفتار

کافی است نام او را در اینترنت جستجو کنید تا حضور پررنگ شرکت او و همسرش را با نام «آبگینه‌سازان رنگین» در چندین نمایشگاه بین‌المللی به چشم ببینید، فروش قابل قبول شیشه‌های دست‌ساز آن‌ها در هفتاد و نهمین نمایشگاه صنایع‌دستی فلورانس و نمایشگاه صنایع‌دستی آلمان، که هر دو در سال ۹۴ برگزار شدند، شاید برای او و هم‌صنف‌هایش مشت‌نمونه خروار باشد. طرح آن‌ها در فهرست برترین طرح‌های سال ۱۳۹۴ استان فارس قرار گرفته و همین نشانه مهمی است بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های این دو جوان.



کتیو | ۱۹

کنیم که بدون آشنایی ضمنی از کیفیت و کمیت خریدار، جنسی در کارگاه تولید نمی‌کنیم.» نطاق اما فوت‌های کاسه‌گری‌اش را هم می‌ریزد روی دایره. شاید به این خاطر که هر جمله‌ای که در وصف حالش می‌گوید، گویی راهکاری است برای افرادی که شیشه به آن روزهای آن‌ها هستند: «اگر امروز توانسته‌ایم در کارگاه، تولید را به سمتی ببریم که آثار از روند تکراری شدن خارج شوند و تقریباً منحصر به فرد باشند، به این خاطر است که مشتری خود را پیدا کرده‌ایم، خریدار آثار ما پیش از هر چیز هنردوست است و برای یک مشتری هنردوست، باید تولیدکننده به فکر فاصله گرفتن از تکرار و روی آوردن به تولید آثاری باشد که منحصر به فردند.»

■ **از کارگر، کارآفرین ساختن**

ظرافت آثاری که در روش «هم‌جوشی شیشه» ساخته می‌شوند تنها منحصر به بازارهای داخلی و سلیقه ایرانی‌ها نیست. البته نطاق چیزی در این باره نمی‌گوید اما کافی است نام او را در اینترنت جستجو کنید تا حضور پررنگ شرکت او و همسرش را با نام «آبگینه‌سازان رنگین» در چندین نمایشگاه بین‌المللی به چشم ببینید، نمایشگاه‌هایی که هنر دست کارگاه او توانسته سربلند از آن‌ها بیرون بیاید. فروش قابل قبول شیشه‌های دست‌ساز آن‌ها در هفتاد و نهمین نمایشگاه صنایع‌دستی فلورانس و نمایشگاه صنایع‌دستی آلمان، که هر دو در سال ۹۴ برگزار شدند، شاید برای او و هم‌صنف‌هایش مشت‌نمونه خروار باشد. طرح آن‌ها در فهرست برترین طرح‌های سال ۱۳۹۴ استان فارس قرار گرفته و همین نشانه مهمی است بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های این دو جوان. این در حالی است که نطاق می‌گوید سعی نکرده از افرادی که به کارگاهش ورود پیدا می‌کنند، تکنسین یا کارگر مهاری بسازد، بلکه می‌خواهد هر کدام از آن‌ها خودشان روزی به یک کارآفرین بدل شوند: «کثر افرادی که پیش ما می‌آیند و مشغول به کار می‌شوند، فارغ‌التحصیلان هنر یا صنایع‌دستی هستند، این موضوع به ما و به آن‌ها حق انتخاب زیادی می‌دهد تا سعی کنیم بنا را بر همکاری مشترک بگذاریم، تا جایی که روزی خودشان رشته‌ای را پیگیری کنند و در آن به اشتغال‌زایی برسند.»

البته هر ریسیمی که نطاق از دنیای صنایع‌دستی دارد شاید چندان با واقعیت موجود در ذهن ما همخوان نباشد. به عبارت دیگر او از دنیایی حرف می‌زند که موتور محرکه فعالیت‌ها در حوزه صنایع‌دستی جوان‌ها هستند و تصویر ذهنی ما، افراد مسن و نان‌آوری است که با هزار و یک مشکل دست‌وپنجه نرم می‌کنند تا مثلاً شال کرمانی، نمد خراسانی، زیلوی بندری و... تولید شود. اما حرف‌هایش گویی بی‌ارتباط با فضای در حال سازمان یافتن صنایع‌دستی هم نیست: «حسن کار در حوزه صنایع‌دستی این است که بچه‌ها وقتی برای کار به کارگاه ما می‌آیند، پس از آموزش دیدن می‌توانند کارت صنعتگری‌شان را دریافت کنند. با این کارت می‌شود از بیمه صنعتگری در ازای پرداخت هرسه ماه، ۱۰۰ هزار تومان بهره‌مند شد. بنابراین پرسنل کارگاه چندان در قیدوبند بیمه شدن نیستند، خصوصاً اینکه ما هم نمی‌خواهیم از آن‌ها یک کارگر ساده بسازیم.»

■ **پشتوانه عاطفی**

مدیریت کارگاه و تولید با خانم است و آقا پیگیر کارهای بازار و فروش. یک رابطه دوطرفه که صرفاً بر پایه اقتصاد بازار ایجاد نشده، بلکه سرچشمه‌اش در عشق این دو به یکدیگر بوده و حالا به پشتوانه‌ای قوی برای کارشان بدل شده است: «گاهی فکر می‌کنم دارم در یک کاری کم می‌آورم، درست همان وقت است که پشتوانه عاطفی هم‌سرم را احساس می‌کنم و به یاد می‌آورم که ما این کار را از کجا شروع کردیم.» بذر ایده‌های آن‌ها حالا به بار نشسته و نهال نازکی است که علاوه بر درآمدزایی شخصی، بر جمعی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنر و صنایع‌دستی در شیراز هم سایه می‌اندازد.

تبدیل یک گیاه مرگ آفرین به تجار تی پر رونق

از قایق‌های ماهیگیری که با روکش ضخیمی از سنبل آبی محاصره شده بودند. چیزی که دیدم برایم دردناک بود. با خودم گفتم این ماهیگیران بیچاره با این محدودیت‌ها، چطور به فکر کردم، حتما راهی هست. راه‌حلی

که هم از محیط‌زیست حمایت کند و هم با تمیز کردن این علف‌ها به منفعت اقتصادی این جوامع تبدیل شود، جوامعی که زندگی‌شان بیش از همه از آلودگی به علف متاثر شده بود. در آن لحظه بود که جرقه‌ای در ذهنم زده شد.» پس از پژوهش بیشتر درباره استفاده‌های سودمند از این علف، بهره‌مندی از این گیاه در صنایع‌دستی بیش از همه نظر او را جلب کرده و فکر می‌کند که «این طرح می‌تواند بدون نیاز به مهارت‌های فنی به راحتی در این جوامع پیاده شود.» و با خودش می‌گوید: «رسیدن به یک راه‌حل فوق‌العاده نیاز به سه قدم ساده دارد. قدم اول: به درون آبراهه برو و سنبل آبی را درو کن تا راه عبور باز شود. قدم دوم: ساقه‌های سنبل



نیجریه، این گیاه با عنوان Gbe'borun شناخته می‌شود. عبارت Gbe'borun گزاره‌ای است که «شایعه‌پراکن» ترجمه می‌شود. شایعه‌پراکن شنونده را به یاد تولید سریع و تخریب می‌اندازد. و در قسمت‌هایی از نیجریه که به زبان ایگالا صحبت می‌شود این گیاه به‌عنوان Kp'iye Kp'oma شناخته می‌شود که ترجمه واژه به واژه آن می‌شود «مرگ مادر و کودک» و شنونده را به یاد مرگ می‌اندازد.

آنجیو ایذاچابا در سال ۲۰۰۹ با این گیاه آشنا می‌شود و کمی بعد از آن از آمریکا به نیجریه می‌رود. او شغلش را در یک شرکت آمریکایی رها می‌کند و تصمیم می‌گیرد تیری در تاریکی رها کند. این تیر در تاریکی ناشی از اعتقاد شدید او بود به اینکه در نیجریه کار زیادی برای انجام دادن در حوزه توسعه پایدار هست. او که در سال ۲۰۰۹ به لاگوس در نیجریه می‌رسد می‌گوید: «به سمت چپم نگاه کردم و تصویر تکان‌دهنده‌ای دیدم. تصویری



● **Dan Arieli** ●

● **ترجمه: فریبا عوض زاده** ●

با یکو جامعه‌ای است در کنار رودخانه در ایکوردو، لاگوس. این جامعه نمونه‌ای از چندین جامعه کنار رودخانه‌ای در سراسر نیجریه است که آبراهه‌ایشان توسط یک علف هرز آبی ته‌اجمی آلوده شده. در این جوامع اقتصاد معیشتی مردم از جمله ماهیگیری، حمل‌ونقل آبی و بازرگانی به دلیل این علف هرز مختل شده است. در این مناطق تولید ماهی نابود شده و بچه‌ها روزها و گاهی هفته‌های متوالی نمی‌توانند به مدرسه بروند. واقعا چه کسی تصور می‌کرد این گیاه با برگ‌های گرد، ساقه‌های بادکرده و گل‌های بنفش چشمگیر بتواند باعث چنین تخریبی در این جوامع شود. این گیاه را که به نام «سنبل آبی» شناخته می‌شود در علم گیاهشناسی «ایکورنیا کراسپیس» می‌نامند. نکته جالب اینکه در نیجریه این گیاه را با نام‌های دیگر هم می‌شناسند که با رخدادهای تاریخی و افسانه‌ها ارتباط دارد. در جنوب غرب



● **نگاه** ●

● **مهران امیری** ●

نوروز آنلاین

درست بعد از اینکه رفت‌وروب خانه‌ها تمام می‌شد، رخت و لباس اهل منزل جور می‌شد، مقدمات پذیرایی از میهمانان فراهم می‌شد، از همان لحظه ترکیدن توبه، دیدوبازدیدها آغاز می‌شد. نوروز خودش را کم‌کم از میان پنجره خانه‌ها به بیرون می‌کشید و در کوچه و خیابان گشت می‌زد. قدیم‌ترها نوروز رنگ و بوی بیشتری داشت.

همین چند سال پیش‌تر، از نخستین ساعات تحول سال نو، گروه‌های چندنفره‌ای شامل بزرگ‌ترها و تعدادی بچه شاد و سرحال، که اینجاوآنجای کوچه‌ها در حال عبور بودند، مسیر رفتن به خانه بزرگ‌تر و عزیزی را طی می‌کردند که منتظر رسیدن آن‌ها بود. تبریک و بازدید نوروزی که از خانه بزرگ‌ترها شروع می‌شد، در روزهای تعطیلات ادامه داشت و به هر ترتیبی بود همه اقوام و آشنایان به بهانه تازه شدن طبیعت دیداری می‌کردند. مسیرها عموماً با پای پیاده طی می‌شد و یادداشت‌های چسبیده به در منازل یا نوشته‌های روی در که «برای عرض تبریک خدمت رسیدیم، تشریف نداشتید» بیش از هروقت دیگری دیده می‌شد. در این بین برخی هم آشنایان را با ارسال کارت تبریک و یادداشت‌های محبت‌آمیز و ادیبانه و حتماً خوش شاد می‌کردند.

کم‌کم که تلفن پایش را به همه خانه‌ها باز کرد، یادداشت‌های شیرین «امدیم نبودید» از روی در منازل محو شد. کارت‌های تبریک هم با ظهور ایمیل و پیامک رنگ باخته، و در سال‌های اخیر دیدوبازدیدها در سایه فن‌آوری چهره عوض کرده است. وقتی از زمان تحویل سال انبوهی پیامک تبریک به دستمان می‌رسد که می‌دانیم نه تنها برای ما بلکه با فشار چند کلید برای انبوه حاضران در فهرست شماره تلفن‌های گوشی ارسال‌کننده فرستاده شده، اخم‌هایمان در هم نمی‌شود، چون خود ما هم همین کار را با فهرست شماره تماس‌های خود می‌کنیم. نه تنها پیام تبریک که انگار دیدوبازدیدم محقور فن‌آوری خواهد شد، آن گونه که بیم آن می‌رود که تماس‌های تصویری جای دیدارهای حضوری را بگیرد. به این ترتیب نوروزمان هرروز دیجیتالی‌تر می‌شود.



نوروز در کنار همه شادی‌ها و به قول برخی بزرگ‌ترها در دسرهایش، سرشار از شادی و نشاط و زایش است. از خانه‌تکانی که بگذریم، و تحمیل هزینه‌های جدید به موجودی ریالی را که در پناه شادمانی خانواده به تن بخریم، دیدوبازدید و سفر و میهمانی و تقریباً هر کم که به آن اضافه کنیم، انگار چرخ اقتصاد هم در نوروز تحرک و شتاب بیشتری را تجربه می‌کند. به عبارت روشن‌تر همه فعالیت‌های نوروزی چرخه بزرگی از گردش مالی را ایجاد می‌کند و کسب‌وکارهای بسیاری را با خود به حرکت درمی‌آورد. و این درست همان بخشی است که میدان‌داری فن‌آوری در آن بر حلاوت و شیرینی کلی نوروز می‌افزاید. فعالیت‌های نوروزی همواره بخش بزرگی از فکر و ذهن صاحبان کسب‌وکار را به خود مشغول داشته است. تردیدی نیست که استفاده از فن‌آوری‌های روز برای گسترش کسب‌وکارها به‌ویژه برای پوشش دادن نیازهای نوروزی، گامی بزرگ و ثمربخش است. همان گونه که در چند سال اخیر ایجاد ابزارهای خرید آنلاین بلیت‌های سفر، یا ذخیره اتاق در هتل‌ها، و برخی امور مشابه موجب رشد این نوع کسب‌وکارها و راحتی بیشتر مشتریان خدمات آن‌ها شده است. اهمیت نوروز برای مردم کشورمان و حجم قابل‌توجه فعالیت‌های مربوط به نوروز که از نیمه زمستان شروع می‌شود، عرصه بزرگی را برای استفاده از فن‌آوری‌های جدید در این زمینه فراهم ساخته است. این در حالی است که قسمت بزرگی از این فعالیت‌ها بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان و یا مداخله دولت قابل انجام است. اگر از ورود فن‌آوری به مناسبات انسانی به‌ویژه نوروز که برای همه ما با خاطرات شیرین و دلنشینی همراه است، با گلابه یاد می‌کنیم؛ اگر ترجیح می‌دهیم آداب نوروزی دیدوبازدید یا پیام تبریک را به‌صورت حضوری و نه با پیامک انجام دهیم؛ اگر می‌گوییم که شیرینی خاطرات و مناسبات انسانی در تبدیل شدن به صفر و یک دود شده و به هوا می‌رود؛ اما استفاده از فن‌آوری‌های نو در کسب‌وکارهای نوروزی اتفاقی خوشبخت و در مجموع به نفع اقتصاد کشور است. می‌توانیم نوروز آنلاین را به خدمات آنلاین نوروزی تبدیل کنیم.